

روزگار امامت امام حسن(ع)

۲۲ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۳۷

امام حسن(ع) مسئولیت امامت و رهبری را در جوی مضطرب در وضعی بسیار پیچیده و پر کشاکش که در پایان زندگانی پدر بزرگوارش امام علی(ع) بروز کرده و شعله‌ور شده بود، به عهده گرفت.

امام حسن(ع) نخستین فرزند امام علی و فاطمه زهرا(ع)، در نیمه ماه رمضان سال دوم یا سوم هجری در شهر مدینه به دنیا آمد و بعد از شهادت امام علی(ع) شش ماه حکومت کرد و در سال پنجاه هجری، به وسیله زهری که همسرش جعده به دستور معاویه به او خورد، در ۴۸ سالگی به شهادت رسید.

مزار شریفش در قبرستان بقیع، در کنار سه امام معصوم دیگر، زیارتگاه خیل شیفتگان آن حضرت است.

جلال الدین سیوطی در کتاب «تاریخ الخلفاء» می‌نویسد: «امام حسن(ع) در سال سوم هجرت به دنیا آمد و شبیه ترین شخص به پیامبر اکرم(ص) بود، در روز هفتم تولدش، پیامبر(ص) گوسفندی را برای او عقیقه کرد و موی سرش را تراشید و هم وزن آن را نقره صدقه داد.

او یکی از پنج نفر اهل کساء است. پیامبر(ص) فرمود: پروردگارا! من او را دوست می‌دارم پس او را دوست داشته باش. و فرمود: حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت اند.

ابن عباس گفت: حسن بر دوش پیامبر سوار بود، شخصی به آن حضرت گفت: ای پسر! خوب مرکبی را سوار شده ای! پیامبر فرمود: بلکه او خوب راکی است! امام مجتبی(ع) شخصیتی آرام، با وقار، متین، بخشنده و مورد توجه مردم بود.

به فقیران و بینوایان رسیدگی می‌کرد و بیش از حد در خواست آنها به آنان کمک می‌کرد تا زندگانشان تأمین شود، زیرا روا نمی‌دید که سائلی بیش از یک بار از او چیزی بخواهد که موجب شرمساری اش شود.

او در طول عمرش دو بار تمام ثروت و دارایی خویش را در راه خدا بخشید و سه بار تمام اموال خود را وقف کرد، نیمی از آن را برای خود و نیم دیگر آن را در راه خدا بخشش کرد.

امام مجتبه (ع)، فردی شجاع، دلیر و مبارز بود و در جنگ‌هایی که در رکاب پدرش امیرالمؤمنین (ع) می‌جنگید در خط مقدم حرکت می‌کرد. او در جنگ جمل و صفین از مبارزان پرتلاش لشکر آن حضرت بود.

روزگار امامت آن حضرت

امام حسن (ع) مسئولیت امامت و رهبری را در جوی مضطرب و نا آرام، در وضعی بسیار پیچیده و پر کشاکش که در پایان زندگانی پدر بزرگوارش امام علی (ع) بروز کرده و شعله ور شده بود، به عهده گرفت.

در نتیجه وضع نابسامان مردمی که امام با آنان روبه رو بود تنها این راه باقی ماند که یا وارد جنگی بی حاصل و یأس آور شود، او و جماعتش به شهادت برسند، یا پس از سپری شدن مدتی مواضع خود را مسجل گردانند و صلحی را که به صلاح ملت است بر جنگ بی ثمر ترجیح دهد.

و این امری طبیعی است که جنگی که مردم به آن به دید شک می‌نگرند، بی نتیجه و یأس آور خواهد بود.

نشانه های تاریخی بسیاری وجود دارد که به تأکید بیان می‌کند امام حسن (ع) مواضع خود را به خوبی درک می‌کرد و می‌دانست که مبارزه او با معاویه، با وجود شک و تردیدی که در توده های مردم وجود دارد، محال است به پیروزی برسد.

کار طرفداران امام (ع) به حدّ خیانت رسید و از روی طمع به سوی معاویه گرایش یافتند و به دلیل پول و مقام و آسایشی که برای آنان فراهم آورد، روی به سوی او کردند.

زعمای کوفه کار را به جایی رساندند که به معاویه نوشتند: هر وقت بخواهد امام (ع) را دست بسته نزدش می‌فرستند! و چون به امام می‌رسیدند به او اظهار اطاعت و ارادت می‌کردند و می‌گفتند: «تو جانشین پدرت و وصی او هستی و ما سراپا در مقابل تو مطیع و فرمان برداریم، هر فرمان که داری بفرمای!» امام به آنها می‌گفت: «به خدا قسم، دروغ می‌گویید، به خدا سوگند شما به کسی که بهتر از من بود وفا نکردید، پس چگونه به من وفا می‌کنید؟ و چگونه به شما اطمینان کنم؟ اگر راست می‌گویید، اردوگاه مدائن، میعادگاه و قرارگاه ما باشد، به آنجا بروید.» امام به مدائن رفت، اما بیشتر سپاهیان، او را رها کردند.

حال آیا امام مجتبه (ع) با چنین مردمی می‌توانست با معاویه بجنگد؟ هرگز. بنابراین، امام حسن (ع) به خاطر نداشتن نیروی کافی مطمئن، ناچار به پذیرش صلح تحمیلی شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27542/ع-حسن-امام-امامت-روزگار>